بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[نهی در عبادات 2](#_Toc428211647)

[مرور گذشته 2](#_Toc428211648)

[مبحث دوم: نهی از جزء عبادت 2](#_Toc428211649)

[مقدمه 2](#_Toc428211650)

[نظریات در موردبحث دوم 2](#_Toc428211651)

[استدلال مرحوم نائینی (ره) 2](#_Toc428211652)

[وجه اول 3](#_Toc428211653)

[جواب آقای خویی (ره) به وجه اول استدلال آقای نائینی (ره) 3](#_Toc428211654)

[وجه دوم 3](#_Toc428211655)

[جواب وجه دوم 3](#_Toc428211656)

[وجه سوم 3](#_Toc428211657)

[جواب وجه سوم 4](#_Toc428211658)

[جمع‌بندی 4](#_Toc428211659)

# نهی در عبادات

# مرور گذشته

بحث ما در مورد نهی در عبادات بود. در این مقام، پنج مبحث بر اساس تقسیم صاحب الکفایة قابل‌بررسی است. مبحث اول را موردبررسی قرار دادیم. این مبحث، نهی در اصل عبادت است.

# مبحث دوم: نهی از جزء عبادت

## مقدمه

در آغاز بحث اشاره کردیم، نهی از عبادات گاهی ارشاد به مانعیت است. همان‌طور که امر ارشاد به‌ جزئیت است. گاهی نیز نهی ارشاد نیست و نهی تحریمی و تکلیفی است. بحث ما در قسم دوم است. در اینجا نیز نهی‌ای از جزئی بکند که ظهور در مانعیت ندارد. این نهی ارشاد نیست بلکه می‌گوید در ضمن نماز این عمل را نیاورید.

اصل در اوامر و نواهی، بعث و زجر است. اما در ضمن یک مرکب به خصوص در عبادات، غالباً ارشاد است. این ارشاد به جزئیت است و ارشاد به اوامر در نواهی است. البته گاهی نیز نهی مولوی است. منهی در ظرف واجب به نهی مولوی موردبحث است.

## نظریات در موردبحث دوم

در این قسمت دو نظریه وجود دارد:

1.یک نظر مرحوم صاحب الکفایه و مشهور است. نهی در جزء در عبادت،‌ ضمن معصیت، موجب فساد است. البته فساد جزء است و کل فاسد نیست. مثلاً کل نماز باطل نمی‌شود بلکه همان جزء فاسد می‌شود. البته قائلان به این نظر می‌گویند،‌شاید جهات خاصی وجود داشته باشد و کل فعل باطل بشود. ولی بدون دلیل و قرینه‌ی خاص نهی در جزء باعث فساد کل فعل نمی‌شود.

2.در این نظر می‌گویند که نهی در جزء باعث فساد در جزء و در کل می‌شود. مرحوم آیت‌الله نائینی (ره) قائل به این نظر هستند. طبق ادله سابق، نهی در عبادت در محدوده‌ی منهی، به دلیل نبودن امر فساد ایجاد می‌کند. اما اینکه نهی بر روی جزء بیاید ولی فساد بر کل بیاید، نیاز به دلیل خاص می‌خواهد.

### استدلال مرحوم نائینی (ره)

روح کلام مرحوم نائینی (ره) این است که ایشان سه وجه در استدلالشان دارند:

### وجه اول

ظاهر نهی حتی در نهی مولوی، ملازمه‌ای دارد که مانع امر کلی است. یعنی گاهی نهی از جزء می‌شود و ارشاد به مانعیت است. (این خارج از بحث ماست). گاهی نیز نهی مولوی نسبت به یک جزء‌است. ایشان می‌گویند که نهی از جزء نیز یک مدلول التزامی دارد و درنتیجه فساد کل را ناشی می‌شود. ایشان می‌گویند که مبغوضیت یک جزء عرفاً با مانعیت ملازم است.

در جایی از محل بحث خارج است که در مانعیت گناهی نباشد مگر اینکه بدعت و امثال این باشد. نهی مولوی می‌گوید که این فعل مبغوض است. ایشان می‌گویند که مولا نمی‌تواند بگوید که از این فعل در نماز خوشم نمی‌آید ولی درعین‌حال بگوید همین‌که آورده شده است،موردقبول من است.

#### جواب آقای خویی (ره) به وجه اول استدلال آقای نائینی (ره)

ایشان می‌فرمایند که مبغوضیت جزء در کل، یک ادعا است و به معنای این است که مولا، کُل را قبول ندارد. اگر مولا بخواهد بگوید که جزئی را در ذیل کل عمل نیاور، مستلزم این است که مانع باشد. البته می‌تواند قرینه‌ای پیدا کرد که به‌جز مبغوضیت، مانعیت نیز وجود دارد، ولی به‌صرف مبغوضیت یک عمل در ضمن ظرف یک عمل دیگر، نمی‌توانیم بگوییم که به‌کل سرایت می‌کند. در اینجا نه ملازمه‌ی عقلی وجود دارد و نه ملازمه‌ی عرفیه وجود دارد.

البته منظور از جزء، جزء نیست بلکه ضمن آن عمل را مدنظر قرار می‌دهیم. اگر جزء را به معنای مقوم به کار ببریم، شائبه‌ی ملازمه نیز وجود خواهد داشت.

### وجه دوم

در این وجه ایشان می‌فرمایند، وقتی نهی به چیزی تعلق گرفت زیاده عمدیه می‌شود. زیاده عمدیه نیز مبطل است.

#### جواب وجه دوم

در همه‌جا این‌چنین نیست. زیاده عمدیه فقط در خصوص نماز است. این وجه دوم وجود دارد ولی خارج از بحث ماست.

### وجه سوم

ممکن است کسی بگوید از باب کلام عمدی و تکلم عمدی مبطل است و باعث بطلان کل عمل می‌شود. در اینجا به‌طور خاص وجود دارد که کلام عمدی در نماز موجب بطلان کل نماز می‌شود.

#### جواب وجه سوم

اولاً بحث ما به‌کل عبادات است. این وجه فقط برای نماز است. ثانیاً کلام عمدی به لحاظ صغروی باید بحث بشود که آیا شامل این موارد می‌شود یا خیر؟ زیرا دیدگاه‌های متفاوتی در این باب است. باید بررسی کرد مبطلیت کلام نسبت به کلام آدمی یا ذکر محرم و یا ذکر به‌صورت مطلق است؟

# جمع‌بندی

نهی از جزء، موجب بطلان کل عمل نمی‌شود. الا اینکه دلایل خاصه در مورد آن عبادت داشته باشیم.